Archive of SID

بررسی نقش طبیعت گرایی در معماری ایرانی و تاثیر آن در طراحی مرکز گردهمایی معماران

آتوسا شارقی

عضو هیئت علمی دانشکده فنی دختران سمیه نجف آباد

چکیده

یک اثر معماری انتقال دهنده ی تاریخ ،هویت و اصالت یک جامعه است ملحوظ داشتن عوامل فرهنگی و هنری در طراحی بنا به احجام هویت بخشیده و مصالح در کنار هم آمده را به پایگاهی برای تامل و تفکر تبدیل می کند، اثری که در خشت به خشت آن تاریخ، فرهنگ و ذوق ایرانی نهفته است. همدلی و احترام به طبیعت از دیر باز در فرهنگ معماری ایرانی ریشه دوانده است و چه بسا از دیر باز عشق و محبت نسبت به عناصر سود رسان طبیعت همچون آب،باد،خاک و... مثال زدنی می باشد.دراثر حاضر که دوران تخریب محیط زیست طبیعی انسان است چه بسا گرد هم آمدن معماران در مرکزی برای احیای تاریخ معماری سرزمین در کنار طبیعت زیبای زنده رود مناسب پنداشته می شود و این فضا برای ایجاد و خلق اثری معماری با احترام به گذشته سرزمین از یک سو و توجه به طبیعت و همدلی و همزبانی با آن از سوی دیگر می تواند محلی برای تفکر وتامل در معماری گذشته و به اوج رسیدن و احیای دوره معماری ایران فراهم آورد. در این نوشتار به کمک مطالعات کتابخانه ای باتوجه به گذشته و تاریخ معماری ایران و همچنین توجه به طبیعت و عناصر آن و ترجمه این عناصر به عناصر بصری و تبدیل مفاهیم طبیعت به راهکارهای طراحی مرکزی برای گردهم آیی معماران پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: معمار، گردهم آیی، طبیعت، معماری ایرانی.

مقدمه

در بررسی تاریخی محصولات شهر، روحی ازظرافت و بارمعنوی آثارش را دربرگرفته است چنان که ابزار روزمره ی زندگی بشری نیز ازاین قاعده مستثنی نمی باشد، هرآن چه از مطالعه ی هنرهای بومی تا هنرهای مدرن حاصل می آید دارای باری درارزش ها بوده و مطالعه آن ،کامل شدن فرهنگ بشری منجرمی شود(بهشتی، ۱۳۸۳، ص۳).

www.SID.ir

Archive of SID

از گذشته تاکنون هنرمعماری درتعیین جایگاه فرهنگ و تمدن هرمزر و بوم نقش مهمی را ایفا می کرده ،ایران نیزدر دوره هخامنشی با تکیه بر تکنولوژی و قدرت و در دوره اسلامی با تکیه به جهان بینی غنی اسلام به یکی از تمدن های بزرگ و صاحب سبک درمعماری تبدیل شده بود ما اززمانی صحبت می کنیم که برخلاف امروز، معماری ایران بر معماری سایر ممالک تاثیرگذاشته بود .اما امروزه معماری ایران فرسنگ ها ازمقام و رتبه خود دورافتاده است در این شرایط به کارگیری و تقلید صرف از معماری مدرن است مدرن و دست آویزی به آنچه که روزگاری برخطوط معماری ایران نقش بسته بود، ایران رابه جایگاه رفیع معماری درجهان باز نخواهد گرداند. این مهم نه تنها در ایران درسایر کشورها نیزبه چشم می خورد و هنرمعماری دراثربی هویتی درجایگاه دوم وسوم هنرها قرارگرفته است.

مرکز گردهمایی معماران مکانی است که درعصراطلاعات و ارتباطات تمام صفحات قدیم معماری را گرد هم آورده و معمارها ،ایرانیان و ساکنین سایرممالک رابه این محفل فرامی خواند تا آن چه را که به معماری درهرمکان می گذرد دیده و آنچه را که خواهد گذشت تعیین کند. این مکان به عنوان یک مرکز رشد ازجمله جدیدترین سازمانهای تسریع کننده توسعه معماری درجوامع بشری درراستای تکمیل تحقیقات به حساب می آید. یک پایگاه فکری برای آن که ذوق هنرمعماری رافزون سازد (گلبان،۱۳۷۴،ص ۱۱).

مرکز معماری مکانی است که تمامی اطلاعات را توسط شبکه ای گسترده از انواع مراکز معماری گرفته و در خود انباشته می گرداند و سپس به نقد وبررسی می گذارد. این اطلاعات درمیان معماران هنرمندان و صاحبنظران و حتی اقشار مختلف جامعه درتحرکی دائمی هستند. این چرخه هم چنان ادامه می یابد تا باردیگر معمار،معماری جایگاه با ارزش و پراقتدار خود را درساخته دنیای کنونی بازیابند و راهی به سوی آینده برای این هنر بازگرداند.

دراین مقاله سعی برآن داریم تا با تداعی معماری گذشته مرکزی برای گردهمایی معماران، افکاراین جامعه فرهنگی به گونه ای به وجود آوریم که بازخوردی ازمعماری گذشته ایران باشد،یکی ازمهمترین توجهات معماران گذشته توجه به طبیعت بوده است.

نیازهای معماری و مرکز معماری

این مرکز برای رفع نیازهای معماران از جمله ایجاد فضاهای فرهنگی فراهم گردیده است و فضاهایی برای نقد و بررسی و نشست معماران را فراهم آورده است.نمایشگاهی دایم از آثار معماری ،فضایی مفرح و جذاب برای علاقه مندان به معمار و معماری که نه تنها نیاز های آموزش آنان را برطرف می سازد بلکه محلی برای احیای معماری و تبادل افکار را ایجاد می کند.

¬ فرهنگ

شناخت فرهنگ و تمدن هر ملت، بهترین و روشن ترین راه برای ساخت آینده آن ملت است. ایرانیان دستیابی انسان به برتری‌هایی در جهان معنوی از راه بهره‌وری از توشه‌ی اندوخته‌ها و آموخته‌هایش را به مثابه پدیده‌ای دانسته‌اند. انسان و فعالیت وی در طول زندگی فردی و اجتماعی در نامیدن این پدیده، واژه فرهنگ را به وجود آورده است (فلامکی، ۱۳۷۱، ص۱۳۸).

بریدن از تاریخ، بریدن از فرهنگ، بیگانه کردن نسل حاضر با منابع فرهنگی‌اش به شکلی در آمده که جامعه‌هایی که دارای غنی‌ترین فرهنگها دارای پرافتخارترین مذهب‌ها، دارای مترقی‌ترین اندیشه‌های فلسفی، دارای زیباترین و عالی‌ترین و لطیف‌ترین هنرها بوده-

www.SID.ir

Archive of SID

اند و بزرگترین تمدنهای چند بعدی شریعت را خلق نموده‌اند و در تربیت نوع انسان، بزرگترین مهم را داشته‌اند. چون امروز چون امروز با آنچه دارند، بیگانه هستند. به انسان‌هایی تبدیل شده‌اند که باید دو مرتبه لباس پوشیدن، غذا خوردن، نوشت و خواندن را یاد بگیرند.

باید این گسستگی را متصل کرد تا بتوان برای خود اندیشید و خود را شناخت. قدرت انتخاب پیدا کرد و حتی عوامل تاریخی را که امروز به صورت خرافی درآورده شده و هم‌چنین عوامل گذشته‌های مذهبی، دینی، عرفانی و ادبیاتی را که الان به صورت ماده تخدیری درآورده شده و باعث رکود و انحطاط جامعه شده به صورت خلاق و سازنده درآورد.

- **رابطه فرهنگ و هنر**

نوعی بستگی‌های ساختاری و ارتباطات شکلی بسیار عمیق در جنبه‌های مختلف یک تمدن حضور دارند که می‌توانند تعیین کنده نوع دیدگاه آدمی به مقولات جایگاهی (زمانی و مکانی) باشند. به طور خلاصه این ارتباطات تعیین کننده‌ی کل ارگانیک یک فرهنگ هستند. کلیتی که در جریان سیال آن مقولات نقاشی، موسیقی، معماری و به طور خلاصه مقولات علمی و هنری شکل می‌گیرند.

به طور کلی این ارتباطات شکلی و ساختاری از وجوه مختلف یک تمدن، یک کل تجزیه ناپذیر به هم تنیده می‌سازند که هر آنچه در این کل ایجاد می‌شود، جزیی است لاینفک و همه خواص و خصوصیات آن کل را دارا می‌باشد.

هنر، موسیقی، نقاشی، ادبیات، معماری، همه مقوله‌هایی هستند که از هویت مردمان یک ملت بیرون می‌آیند تا اعماق تصورات واندیشه‌هایی آنان را بیان کنند و به پیش ببرند. بنابراین هنر واقعی یک ملت آن است که از واقعیت‌های آن مردمان یا از حقیقت های مطلوب آنها شکل می‌گیرد. تفکری که آنها با آن زندگی نکرده‌اند، هرگز هنر دلخواه مردمان و آنچه بر دل نشیند را برای آنها ایجاد نمی‌کند. پس اگر جریان سیال زندگی مردمان بر اساس تمثیل‌های روحی و معنوی باشد، همان تمثیل‌هاست که می‌توانند برای آنها هنر بیافریند (شایگان، ۱۳۸۱، ص۲۴).

- **بازتاب فرهنگ در صورت فضای معماری**

صورت فضای معماری از عوامل و پدیده‌های متعددی تأثیر می‌پذیرد که فرهنگ یکی از این عوامل است. فرهنگ مجموعه‌ای از پدیده‌های گوناگون است که هر کدام به گونه‌ای خاص بر آثار هنری و ازجمله فضاهای معماری تأثیر می‌گذارد. این تأثیر گاه بسیار ملموس و روشن و در مواقعی بسیار ظریف و غیر آشکار است. تجلی همه پدیده‌ها، خصیصه‌ها و عناصر تشکیل دهنده فرهنگ در صورت فضاهای معماری یکسان صورت نمی‌پذیرد. برخی از تجلیات فرهنگ را به سادگی و برخی دیگر را به دشواری می‌توان مورد شناسایی قرار داد (سلطان زاده، ۱۳۷۸، ص۱۱۶).

طبیعت گرایی

www.SID.ir

Archive of SID

استفاده از الگو های طبیعی در معماری معاصر یکی از روش های نوین طراحی معماری است. دنیای امروز جدایی از طبیعت را حس می کند و بازگشت به طبیعت باعث می شود آدمی درصدد آشتی با طبیعت را دریابد یکی از راه کار های مهم در طراحی چه در معماری چه در علوم دیگر الگو گرفتن از طبیعت می باشد(آنتونیادس،[1] ۱۳۸۶).

طبق ارزیابی ها و بررسی های اولیه محققان روانشناسی دریافتند که اثر ترمیمی مناظر و فضاهای سبز طبیعی می تواند به عنوان یکی از مهمترین دلایل تر جیحات مردم از مناظر نسبت به سایر مناظر از جمله مناظر شهری باشد(ون دن برگ،[2] ۲۰۱۰). منظر فرد را از تنش و استرس روحی، رها کرده و سبب تجدید قوای فرد می شود.(هانسمن[3] ۲۰۰۷) ارتباط فطری انسان با طبیعت سبب می شود تا برخی از تماس ها با دنیای طبیعی به طور مستقیم بر سلامتی تاثیر گذار باشد. نظریه تجدید توجه کاپلان ها در مورد خستگی فکری انسان به تاثیرات احیای قیزیکی، روانی و قابلیت های اجتماعی طبیعت که دارای عوامل کلیدی برای ترمیم فکر است می پردازد.

جدول (۱): نظریات مختلف در مورد رویکرد طبیعت گرایی

تیپ منظر	خصوصیات منظر	تاثیرات سلامتی گزارش شده	محققین
منظر طبیعی / منظر سبز	پرچین سبز	تعدد اعصاب آرامش	Nakamuraand Fuji (1992)
	محیط طبیعی :نمایش درختان و منابع طبیعی	افزایش حوصله افراد، کاهش سطح استرس و فشار خون، کاهش عصبانیت و افزایش اثرات مثبت	Horting et al(2003)
	دید از پنجره رو به عناصر طبیعی منظر	عملکرد بهتر ادراک ، تاثیر قوی در رضایت و افزایش احیا کنندگی نا امیدی کمتر و صبر بیشتر، رضایت بیشتر از زندگی و سلامت کلی	Wells(2000)
	منظر با دید هایی از عناصر طبیعی	تاثیر در افزایش توجه مستفیم رضایت مندی صبر بیشتر	Kaplam(1993) And cimprich(1995)

طبیعت و روح همواره منشأ خلاقانه‌ای برای بشر به حساب می‌آیند. طبیعت همانند معلمی در تاریخ ایفای نقش نموده است و در زمینه‌های مختلف انسان جستجوگر را راهنمایی نموده که در این روند انسان به چیرگی‌هایی نسبت به طبیعت دست یافته است.

[1] Antoniodes

[2] Venderberg

[3] Hansman

www.SID.ir

Archive of SID

اما طبیعت به عنوان منبع و نیروی ارزنده‌ای در خدمت انسان پیش از آنکه به انسان عقل گرا در امور کمی و تکنیکی کمک کند، نیاز روحی و احساسی وی را برآورد ساخته است. شعر، هنر نقاشی، ادبیات و تمدن‌های انسان همواره منبع الهام خود را طبیعت قرار داده‌اند.

انسان و رابطه وی با طبیعت دارای روندی تکاملی و تدریجی است. انسان همواره درتلاش برای به خدمت گرفتن طبیعت بوده است و جامعه بشری بی‌شک در رابطه با طبیعت تکامل یافته است (کیانی، ۱۳۸۰، ص ۶۷ و ۶۸).

نظریه فرهنگ ایرانی در مورد عناصر مقدس طبیعت

فرهنگ ایران را می‌توان متشکل از دو دوره تاریخی پیش از ورود اسلام به این سرزمین و بعد از آن دانست. درهر دوره تاریخی فرهنگ ایرانی الهام گرفته از ارزشها و باورهای دینی آن دوره بوده است. قبل از اسلام ایرانیان به طبیعت به ویژه خاک، آب و آتش به مثابه عناصری مقدس می‌نگریسته‌اند که نه تنها آلودن آنها گناه شمرده می‌شده که پاک نگاه داشتن و پاک نمودن آنها وظیفه‌ای دینی بوده است، ضمن آنکه علاوه بر وجه ظاهری و دنیایی، وجهی معنوی و آسمانی نیز برای آن‌ها قائل بوده‌اند.

پس از حاکمیت اسلام در ایران با توجه به اهمیت این عناصر در قرآن، همچنین پیشینه تاریخی که از قبل در نهاد ایرانیان وجود داشته است، این باورها رنگ و بوی جدیدی گرفتند و همچنان نقش خود را در فرهنگ و زندگی ایرانیان، به گونه‌ای دیگر ادامه دادند. پژوه دراین زمینه، پژوهش در تاریخ دلبستگی انسان و هویت ملی و استقلال فرهنگی است.(کمالی پور، ۱۳۷۹، ص۵ ص۶)

ایرانیان باستان، آفریدگار را فروغ بی‌پایان و روشنایی مطلق می‌دانستند. لذا نورو روشنایی را تجلی اهورامزدا می‌پنداشتند. آنان نور را گرفته شده از فروغ بی‌پایان خداوندی می‌انگاشتند؛ همگام ستایش خداوند رو به سوی خورشید و هر روشنایی دیگری می‌ایستادند. به بیان دیگر خورشید یا آتش پرستی سوی آنان بود. «پس گفت زرتشت ای اهورامزدا تو را با همه فروزه‌های جاودانه‌ات در برابر فروغ و روشنایی می‌ستایم».

با نگاهی کوتاه به آیین زرتشت : «آیین مزدیسنا»، مقام والا وارجمند آب و احترامی که ایرانیان برای آن قائل بوده‌اند روشن می-گردد. ایرانیان از دیرباز به علت تقدسی که برای آب قائل بودند، آلوده کردن آن را با پلیدی‌ها گناه به شمار می‌آوردند و به ویژه آلوده ساختن آن با مردار از گناهان بزرگ به شمار می‌آمده است. هرودت می‌نویسد: «ایرانیان به یک رودخانه ادرار نمی‌کنند و تف نمی‌اندازند. حتی دست‌هایشان را در آن نمی‌شویند و دست شستن دیگران را هم در آب رودخانه تحمل نمی‌کنند. بلکه به رودخانه (آب روان) احترام می‌گذارند (دادمهر، ۱۳۷۸، ص۳).

به این ترتیب آب چنان در ساخت و ترکیب بناهای ایرانی وارد شد که عملا نمی‌توان آن را از شکل ساخته شده جدا دانست. آب در مرکز کوشک ها و باغها در میان حیاط های مرکزی مساجد، مدارس، کاروانسرا و... ظاهر شد.

در معماری ایران مرکزی و کویری آب کمیاب و زندگی بخش، سبب شکل گیری معماری آب انبارها، پایاب ها و ساباط ها و یخچال ها شد. آب در شکل گیری باغ ایرانی نقش اصلی را دارا می‌باشد. در ورودی زمزمه آرام آب گویی به انسان خوشامد می‌گوید و او را به درون باغ دعوت می‌کند و راهنمای او در فضای باغ می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر (۱): باغ فین کاشان

در حقیقت آب نه تنها کوشک را به باغ پیوند می‌زند، بلکه عناصر مختلف باغ را نیز به هم گره می‌زند (علم الهدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۳ و ۳۰۴).

در مساجد آب علاوه بر نقش تطهیر خود جنبه نمادین نیز دارد و به چهار شکل نمایان می‌شود.

- پایابها (آب روان قنات)
- آب نمای مرکز میانسرا (آب راکد)
- سنگاب ورودی (آب راکد)
- فواره آب نما (آب به صورت عنصری جنبشی).

در میانسرا و در وسط حیاط مرکزی اکثر مساجد استخر بزرگی پر از آب و گاهی جوی آب روان و باغچه‌هایی با درختان سایه انداز وجود دارد که تمثیلی از بهشت قرآن مجید است. آبدر مرکز و کانون مسجد جای دارد و نماد پاکی و خلوص درون یک مسلمان می‌باشد. وجود آب در ورودی مساجد، جلوخان مسجد یا در هشتی ورودی، نمادی از تطهیر روح و ورود به دنیای خالص و شفاف است. نمونه بارز آن مسجد شاه اصفهان می‌باشد که دو عنصر آب در ورودی خود دارد. یک حوض هشت ضلعی در جلوخان مسجد و یک سنگاب در هشتی ورودی.

در معماری ایران حوضها به عنوان سمبل آب راکد استفاده می‌شوند و با اشکال هندسی منظم خود عامل تکمیل کننده بنا هستند. حوضهای جلو بناها مکمل معماری می‌شوند و مانند آینه آنها را در خود منعکس می‌کنند که نمونه بارز آن چهل ستون است (علم الهدی، ۱۳۷۸، ص۳۰۱-۳۰۷).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر (۲): چهل ستون(صفحه اینترنتی ویکی پدیا)

در حیاط خانه آب به عنوان آیینه آسمان و مظهر صافی، پاکی و تطهیر در مرکز نشان داده شده است. حیاط خانه مرکز ثقلی است که مجموعه کثرتها را وحدت می‌بخشد. زندگی و حیات ریشه در آب دارد و این نگین در کمیت مختصر در خانه‌های ایرانی در فرهنگ نیاکان، تا بدان حد کیفیت معنوی یافته که با آن وضو می‌سازند و عابدانه نماز و شکرانه به جا می‌آورند (دیبا، ۱۳۷۸، ص۶و۷).

نمود آینه با استفاده از آب و اجسام صیقلی دیگر ایجاد می‌شود. در واقع وقتی نمود آینه حاصل می‌شود، یعنی آنچه بالقوه مثبت بود، بالفعل مثبت می‌گردد (باب الحوائجی، ۱۳۸۳،ص۸). در گذشته طراحان معماری، این حالت آب و آینه رانیز در نقاطی مانند باغ فین کاشان در ریتمهای (اشکال) مختلف به نمایش گذاشته‌اند (ترابی فرد، ۱۳۷۳، ص۱۴). معماری شایان توجه آب انبارها به سبب ذخیره و بهره‌برداری از آب خنک در مناطق کویری ایران شکل گرفته و به دلیل نقش مهمی که آب در زندگی روزمره داشت، از اعتبار و موقعیتی ویژه برخوردار بودند (علم الهدی، ۱۳۷۸، ص۳۰۳).

تصویر(۳): کاشان، یخدان (صفحه اینترنتی ویکی پدیا)

امروزه با نگاهی به معماری خواهیم دید که جاذبه‌های حسی و بصری لذت بخشی آن به دست فراموشی سپرده شده است. دیگر صدای لذت بخش قطرات باران، ریزش آبشار و ضرباهنگ خوردن آب برای کودکان آشنا نیست. امروزه دیگر طراحی با آب با نمادهای دیرین آن سازگار نیست وجنبه‌ای تعمیمی یافته است و اگر جایی حضور دارد آشناست.

www.SID.ir

Archive of SID

¬ باد در معماری ایرانی

عنصردیگری که بر شکل گیری محیط اطراف انسان تأثیر می‌گذارد، هواست که به همراه نور به حالات مختلفی این تـأثیر را ایجـاد می‌کند. تأثیر هوا بر محیط اطراف به دلیل امکان حرکت آن است که در این صورت علاوه بر نوازش انسان و ایجاد احسـاس زیبـای تماس با طبیعت، با احتزاز درختان و شاخه و برگها و ایجاد موج در آبها (به ویژه آبهای ساکن) زیبایی محیط را تقویت مـی‌نماینـد. هوا (باد) به عنوان یکی از عناصر مهم طبیعی با عبور از میان شاخ و برگ گیاهان و وزش بر سطوح آب به صورت نسیم خنک و فرح بخش در فضاهای باغ حرکت می‌کند و از آنجا به سطح شهر روان می‌شود. حرکت هوا در بـین شـاخه‌هـای درختـان ضـمن ایجـاد اصواتی خوش آهنگ و گوشنواز شاخ و برگ درختان را به حرکت درآورده و نوعی حرکت و حیات را به فضا می‌بخشـد (امـین زاده، ۱۳۷۹، ص۴۶).

در واقع هوا علاوه بر زیبایی محسوس برای چشم، مراتب دیگری از زیبایی محیط را برای سایر حواس از جمله لامسه و شنوایی نیـز پدید می‌آورد.در شهرسازی ایران بافت شهری چنان رو می‌چرخاند که منطبق با جهتی قرار می‌گیرد که نسیم خوش (هوای متحرک مطبوع) در بیشترین ایام سال محسوس گردد. ایجاد سایه به نوعی مربی ساختن هواست و بازیهای شـگفت انگیـز و بـدیع بـا سـایه روشن است که فضای جادویی شهر را خلق می‌کند و در ضمن باعث ایجاد اختلاف درجه حرارت و در نتیجه حرکت هوا می‌شود.

محصور کردن هوا در قالب معماری، محسوس کردن آن و گشودن دریچه‌ای است برای دخول به اقلیم هشتم. در گذر از بازار وقتـی بدون انحلال استمرار، همواره از یک فضای بسته به فضای بسته دیگری گذر می‌شود. سیر و سلوک و کشف و شهودی رخ مـی‌دهـد که وقتی انسان از دالان منشعب از بازار به حیاط مسجد می‌رسد، با حوض و گیاه در چشم انداز در مدخل عالم مثال قرار می‌گیرد.

محصور کردن هوا به شیوه‌ای دیگر نیز انجام می‌گرفته و آن در حاشیه چهار بـاغ بـوده کـه بـر خـلاف روشـهای معمـول آن زمـان دیوارهای باغهای مشرف به خیابان (مثل باغ هشت بهشت) را مشبک می‌سازد. به ترتیبی که از بیرون بتوان درون را دید. با این کار، نمای درون باغ یا عمارت زیبای لاجوردین، گیاهان و آب، در قابهایی کوچک محصور می‌شود که بیننده گذرا بتواند در عین دیـدن منظره باغ از هوای مطبوع و نسیم خوش درون باغ نیز بهره ببرد و این هوا را به داخل شهر بکشانند و جریان آن را استمرار بخشند (اهری، ۱۳۷۸).

فضاهای بامها (بادخانها، بادگیرها و قبه‌های مثقوب) عناصر ساختمانی هستند که با حرکت هوا به گونه‌ای مرتبطانـد و باعـث غنـای بیشتر معماری ایران شده‌اند. چون علاوه بر عملکرد خاص خودشان باعث تشخص افراد می‌شدند و گاهی اوقات بادگیرهـا حتـی بـه عنوان نشانه شهری عمل کرده و باعث خوانایی بیشتر فضاها می‌شده‌اند (اردلان و همکاران، ۱۳۸۰، ص۵۸).

www.SID.ir

Archive of SID

تصویر (۴): دیوار مشبک((صفحه اینترنتی ویکی پدیا)

¬ خاک در معماری ایرانی

ایران کشوری است که قسمت اعظم آن را کویر پوشانده است. هوای گرم و شرایط بومی باعث شده که مردمان این سرزمین را محلهایی را برای کاستن دما و ایجاد شرایط مناسب برای زیستگاههای خود پدید آورند. پشت به آفتاب یا رو به نسار ساختن خانه-ها، بلند گرفتن سقف یا طاق و گنبد، دو جدار ساختن سقف و گنبد، برجهای بادگیر، ساختن سرداب یا شوادان در زیرزمین خانه‌ها، ایجاد خویش خانه و ... از جمله شیوه‌هایی بودند که در معماری خانه‌های ایرانی (بر اساس خواص خشت و خاک) برای گرمازدایی و خنک ساختن فضای درون خانه‌ها در فصلهای گرم سال به کار می‌رفته است. دوپوشه ساختن سقف خانه‌ها و دو جداره کردن دیوارهای اتاق تابستانخانه خانه و انباشتن فضای میان دو جدار دیوار با یخ از شیوه‌های خنک سازی فضای درون خانه شاهان و بزرگان در دوره ساسانی و نخستین سده‌های دوره‌های اسلامی در ایران بود (بلوکباش، ۱۳۷۸، ص۸۴).

¬ آتش و نور در معماری ایران

ایرانیان قدیم آتشکده‌ها یا معابد آتش را ساخته‌اند. فضای اولیه معابد، صفه‌هایی بود که بر فراز صخره‌ها ساخته شده و فاقد هر گونه سقفی بود. در بالاترین نقطه صفه، شی مقدس را نهاده و در مقابل آن به حالت احترام با کلام وسرود، در انتقال اندیشه به فضای لایتناهی، نیازهای درونی را شکل می‌بخشیده‌اند. آتش مقدس عنصر جدانشدنی از جهان زنده که جهان زنده از اوست، در بستر همین طبیعت در نقطه‌ای جاودانه نگه داشته می‌شد تا جاودانگی زندگی انسانها نمایان باشد. آتشکده به عنوان مکانی همگانی بنا شده بود. ویژه نیایش به درگاه خداوند.(رضایی، ۱۳۶۸)

آتشکده چهارگوشه داشت تا چهار جهت جغرافیای زمین را در تقاطع دو محور ارضی‌اش در مرکز بنا نشان دهد و دو جهت اصلی دیگر را در قامت خود ترسیم می‌کرد: زمین به آسمان را از راه شکل ظاهری یا خارجی‌اش (که از اندازه‌اش از زمین به بالا کاسته می‌شد) نشان می‌داد و سطح زمین به زیر را در عالم معنا و از راه نماد ستون گونه آتشگاه که کانون موجودیت بنا بود (همان گونه که به مناسبت تقدس مکانی‌اش کانون عالم به شمار می‌رفت) می‌نمایاند. از لحاظ عملکردی آتشکده‌ها نه تنها محلی برای عبادت، بلکه مکانی برای رصد، دادگاه، درمانگاه و مدرسه نیز بودند. موبد در این مکان به دادرسی می‌پرداخت و درآنجا بیماران جسمی و روحی معالجه می‌شدند و اطفال دروس دینی و معنوی می‌آموختند.

www.SID.ir

Archive of SID

پس از ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، ایرانیان به طریقی مفاهیم مشابهی از اعتقادات خود را در مقام والای نور و حفظ حرمت آن در سوره نور یافتند. چنانچه خداوند در آیه ۳۵ همین سوره می‌فرماید: «خداوند نور آسمانها و زمین است». و در ادامه می‌فرماید: «همه نورها از اوست. بعضی آشکار و پیدا، بعضی پنهان و ناپیدا، نور آشکار مانند نور آفتاب و ماه گرچه روشن است، لیکن تابع نور پنهان است» (آیوازیان، ۱۳۸۳، ص۱۷).

در فضاهای معماری ایرانی به دقت از سلسله مراتب نور و تاریکی در جهت حرکت و هدایت از فضایی به فضای دیگر استفاده شده است.

به طور کلی ورودیها در معماری ایرانی از عناصر بسیار مهم بوده و از سایه روشنهایی برخوردار هستند که دعوت کننده می‌باشند.

تصویر (۵): دالان ورودی مسجد شیخ لطف الله(صفحه اینترنتی ویکی پدیا)

در خانه‌های مسکونی سنتی ایران پس از ورود به آن و مکث در هشتی خانه، از فضاهای کم نور و نسبتاًتاریک (که بیشتر آنها فضاهای حرکتی و مکث می‌باشند وتوسط شعاعهای نوری تابیده شده از کنار یا از بالا هدایت می‌شود)، نوبت به حیاط که قلب بنا و پرنورترین فضا می‌باشد می‌رسد. معماری مدرن در جهانی با شفافیت فوق العاده، جهانی با نور یکسان، روشنی یافته به و محروم شدن از بسیاری چیزهای دیگر و تهی از تاریکی بنا نهاده شد. این جهان نور که انتشاری هاله گون دارد قصد مرگ فضا تا حد تاریکی مطلق را کرده است.

بنابراین استفاده از نور در فضای مدرن، از معنای رمزی خود تهی شده به عبارتی می‌توان در یک جمله چنین بیان کرد که: «نور در معماری سنتی موجب تمرکز و در معماری مدرن موجب تفرق است»(آیوازیان، ۱۳۸۳، ص۱۷و۱۸).

¬ آب در معماری ایران

در همه دوران تاریخی، معماران ایرانی آب را در مجموعه‌های خود وارد می‌کردند و گنجینه‌ای از خصوصیات فیزیکی، مذهبی و اسطوره‌ای را به خدمت می‌گرفتند تا معماری آنان از غنای بیشتری برخوردار باشد. از معبد آناهیتا تا مساجد وباغ و کوشکهای دوران اسلامی، معماری واسطه‌ای است که ارتباط یا جدایی بین انسانها و طبیعت را با یاری گرفتن از کلیدهای حسی، فرم و مصالح

www.SID.ir

Archive of SID

فراهم می‌آورد. معماران پل خواجو، هشت بهشت، چهل ستون، باغ فین وباغ شازده و ... از مفاهیم انعکاس، رقص وسکون آب یـاری گرفته‌اند.

با به کارگرفتن کیفیت‌های انعکاس عمق وبیکرانگی سطوح وسیع آب توانسته‌اند فضای خصوصی را وسعت بخشـند و درمـانی بـرای تنگناگریزی ارائه دهند. در آتشکده آذرگشنسب، وجود دریاچه، روح انسان را رهایی می‌بخشد و نگاه را به آسـمان، عمـق سـحرآمیز آب و مناظر گسترده اطراف می‌کشاند. گویی آب، گذرگاه انسان برای ورود به دنیایی دیگر است. دنیایی خالص‌تر که جسـم قادربـه گذر از آن نیست.

تصویر (۶): معبد آناهیتا در کنگاور (صفحه اینترنتی ویکی پدیا)

گیرشمن راجع به معبد آب آورده است که: «در معبد آناهیتای بیشابور گردش آب نمایش تجریدی از گردش آب در طبیعت اسـت. تمام جوهر و خواص آب به صورت مجرد که ظاهراً جنبه نمایشی پیدا کرده، در نیایش آب منظور بوده است». قبل از اسلام معماری به سوی آب می‌شتافت و در کنار آن آرام می‌گرفت. بعد از اسلام معماران با شناخت قوانین فیزیکی رفتار آب ودرک نقش و تمثیـل وارتباط آن با انسان، آب را به درون معماری آوردند.

در دوران اسلامی شکل تکامل یافته مرکزیت آب در معماری وجود دارد. حرکت پرموج آن در مفاهیم مذهبی، ادبی وهنری فرهنگ ایرانی جاری شد. مفاهیم قرآن کریم از بهشت، چشمه‌های جوشان و نهرهای روان آن الگوهای الهام بخـش معمـاران شـد. بـه ایـن ترتیب آب چنان در ساخت وترکیب بناهای ایرانی وارد شدکه عملاً نمی‌توان آن را از شکل ساخته شده جـدا دانسـت. آب در مرکـز کوشک ها و باغها درمیان حیاطهای مرکزی مساجد، مدارس، کاروانسرا، خانه و... ظاهر شد.

در معماری معاصر آب نقش زیادی در طراحی معماری و شهرسازی ایفا می کند. برخی از عملکرد های آب عبارتند از:

ایجاد تباین بین محیط طبیعی و مصنوعی بیان تصویری از یک رویداد، ایجاد حس مکان، ایجاد زمینه، همراهی و مطابقت با شلوغی محیط، ارتباط دهنده اجزا مختلف سایت ایجاد نقطه عطف، انعکاس تصاور ، مانع بصری ، جاذب صدای محیط، تلطیف هوا و ایجـاد آسایش در سایت و تفریح.

www.SID.ir

Archive of SID

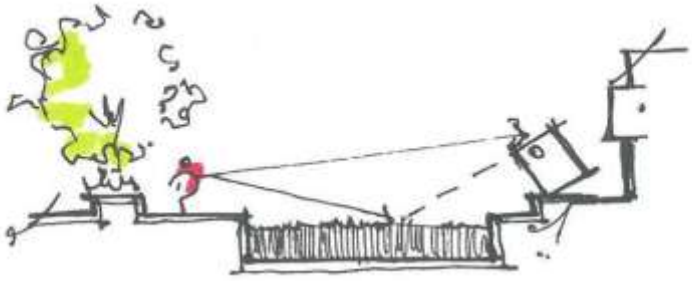

تصویر (۷): اگر انعکاس تصویر بخواهیم استخر باید بین بیننده و جسم باشد

تصویر (۸): صدای آب جاری سر و صدای ناشی از اتو مبیل ها را از بین می برد

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت جایگاه معماران و توجه ویژه به این قشر هنرمند این مهم مد نظر قرار می گیرد که بتوان مجموعه ای برای گرهم آیی این قشر هنرمند به وجود آورد که در عین حال بیشترین توجه را به طبیعت داشته باشد و باغ و الگوی آن را در جامعه امروز فراهم اورد که علاوه بر گردهم آمدن معماران این امکان را فراهم آورد که افراد مختلف جامعه بتوانند در کنار این قشر حضور یابند و از ایده های هنری آنها استفاده شود.

به همین خاطر ایده های کلی زیر در طراحی چنین مرکزی پیشنهاد می گردد:

- نمایش طبیعت: معماری بیشترین احترام را به طبیعت می گذارو و به جای طراحی فضا ، ایجاد عناصر و احجام در بدن طبیعت در نظر قرار گرفته شده است.

- ارجاع به معماری ایرانی: استفاده از الگوی باغ های ایرانی، محور های آبی، حیاط مرکزی و...

www.SID.ir

Archive of SID

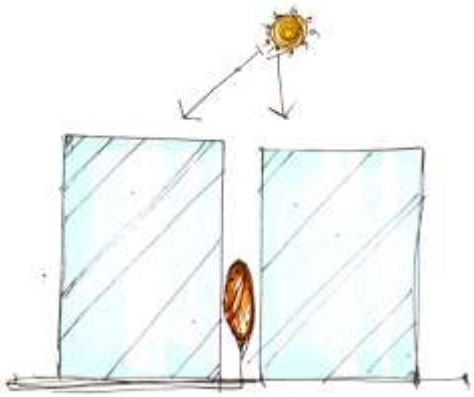

تصویر (۹): الگوی حیاط مرکزی

- ارجاع به مفاهیم پایه طبیعت همچون باد، خاک، آب و آتش این عناصر پایه در طبیعت و خصوصیات آن باعث شده تا ایده های کلی طراحی شکل بگیرد.

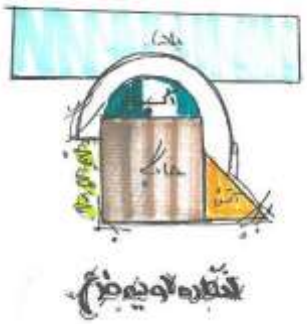

تصویر (۱۰): انگاره اولیه طرح

- بهره گیری از مدل های طبیعی

تصویر (۱۱): الگوی تکرار در طبیعت(نگارنده)

www.SID.ir

Archive of SID

- رابطه بین اعداد مقدس و عناصر مقدس

در فلسفه‌ی اعداد مقدس عدد یک می‌تواند نمایانگر وحدت باشد و در واقع نمایانگر یک نقطه یا دایره می‌باشد، دایره خواص بصری شخصی دارد من جمله خواص بصری هم چون حرکت نرم و روان، قابل انعطاف و تغییرپذیری عمق و... که این حالت بیشترین تشابه را به خواص آب و طبیعت دارند، بنابراین می‌توان دایره را نمادی از عنصری آب و طبیعت دانست. این فرم برای خلوت و ایجاد محلی آرامش بخش مناسب در نظر گرفته شده است.

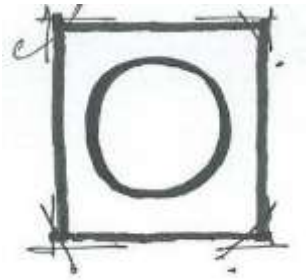

عدد دو در فلسفه‌ی اعداد از نظر نمادی اصل دوگانگی و کثرت را یادآور می‌شود و هم زمان در مفهوم صوری خود نمایانگر خط می‌باشد. از جمله خواص آن نشان دادن پویایی، حرکت و جهت می‌باشد که در واقع نماد اصلی باد در طبیعت است.

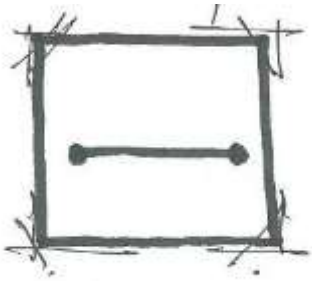

عدد سه: اصل تثلیث را ارائه می‌دهد و در واقع عدد سه صرفاً اصل آفرینش است و معنای صوری آن مثلثی است که از سه نقطه تشکیل شده است و مثلث نیز هیجان را یادآور می‌شود که می‌توان خاص آن را با خواص آتش مشابه دانست. که این فرم برای فعالیت های ورزشی مناسب پیش بینی شده است.

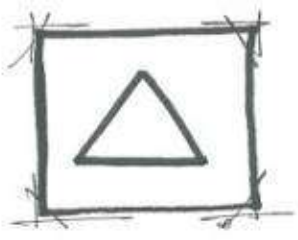

در نهایت عدد «چهار» نخستین وجود متولد یعنی جهان طبیعت و ماده را ارائه می‌دهد، چهار به عنوان به شکل مربع است، گرایش به سوی ماده را عرضه می‌باشد. در واقع نمونه جهان طبیعت ماده است، مربع نماد تمثیلی از عقل و فروتنی می‌باشد، پایدارترین

www.SID.ir

Archive of SID

شکل مهندسی است و هم چون خاک سمبلی از زمینی بودن افتادگی، فروتنی و ایستادگی است و با ثبات و جهت دار می‌باشد. این فرم برای مراگز خدماتی مراکز آموزشی مناسب پیش بینی شده است تا بتواند در شکل هندسی منظم این مکـان بـه بهتـرین نحـو شکل بگیرد.

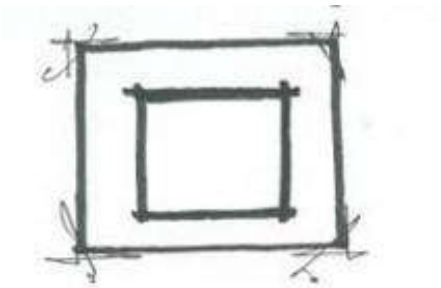

با توجه به همگی موارد ذکر شده نتیجه‌ای که حاصل می‌آید این است که اثر هنری تلفیقی از فرم و محتوی است، این اثر از طرفـی لغات، اصوات، اشکال، رنگ‌ها یا اجسام و رفتارها را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر حاوی موضوعی است که سعی در بیـان آن دارد. در واقع می‌توان نقش سپرده شده به کلام را به فضا داد.

به کارگیری عنصر آب علاوه بر خواص آن در جلوگیری از سر و صدای مزاحم بسیار مؤثر بوده و هم چنـین وجـود فـواره‌هـا ایجـاد صدایی دلنشین را در فضا به ارمغان می‌آورد و موسیقی فضا محسوب می‌شوند از طرف دیگر فواره‌ها نشان قدرت بوده و هـم چنـین مفاهیمی چون انعکاس، رقص و سکون را یادآور می‌شود ایجاد فضایی برای نشست در کنار آب در امتداد شمالی سایت و با ایجـاد و فرم منحنی که همان نماد آرامش است یادآور پل خواجو بوده که محلی مناسب برای مکث گفتگو و گردهم آمدن افراد می‌باشد. آب نماد زندگی و نماد مرگ است هم چون پلی روح و جسم انسان را می‌شوید، آب هرکجا باشد تشـخیص فضـاناپذیر را دارا مـی‌شـد. کشیده شدن محور های آبی به داخل مجموعه دلیل دیگر احترام به طبیعت و استفاده حـداکثری از پتانسـیل هـای آب هـم چـون انعکاس و شفافیت و پاکی و ایجاد محور های عمودی و افقی که علاوه بر دفع صدای مزاحم فضایی مطلوب را ایجاد می کند.

www.SID.ir

Archive of SID

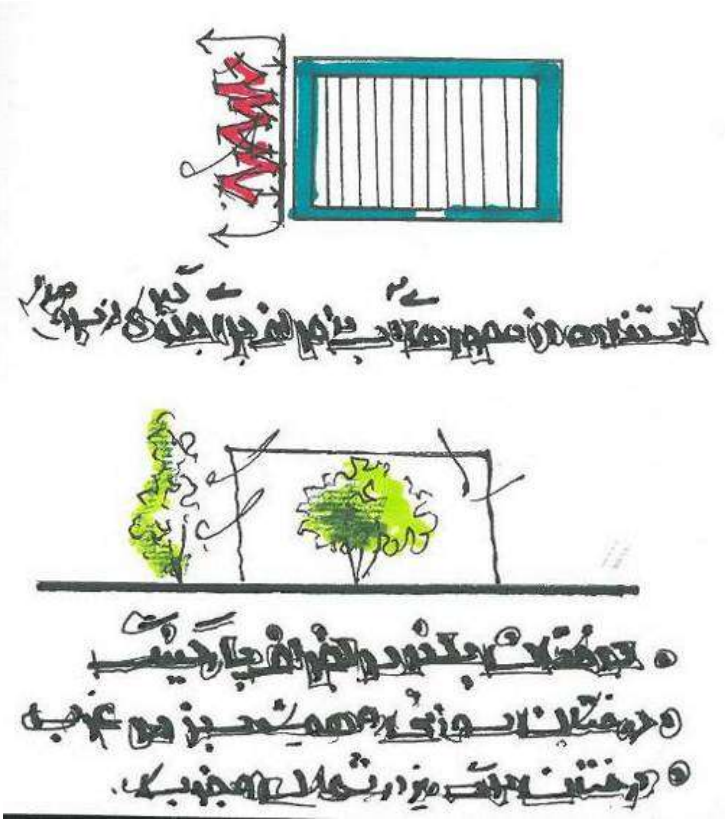

تصویر (۱۲): استفاده از پتانسیل های عناصر طبیعت

www.SID.ir

Archive of SID

مراجع

۱- اردلان، نادر و بختیار، لاله. ۱۳۸۰، حسن وحدت. چاپ اول، اصفهان: نشر خاک، ۹۰.

۲- امین زاده، ب. ۱۳۷۹. «حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین». مجله صفه، شماره ۳۱. ص ۴۰- ۵۳.

۳- اهری، ز. ۱۳۷۸. «عالم مثال و بیان فضایی آن در مکتب شهرسازی اصفهان». (مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران بم: ۲۵-۲۹ فروردین ماه). تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

۵- آبوازیان، ص ۱۳۸۳، «جایگاه نور در معماری» مجله معماری و شهرسازی ایران بم: ۲۵-۲۹ فروردین ماه). تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

۶- باب الحوائجی، ۱۳۸۳. «مکتب الهی اصفهان در معماری و شهرسازی اصفهان». مجله معماری و شهرسازی. شماره ۷۹-۷۸.

۷- بلوکباش، ع. ۱۳۷۸. «خیشخانه». مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱. ص ۸۱- ۸۵.

۸- بهشتی، محمد. (۱۳۸۳). غزل باغ ایرانی. خلاصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۹.

۹- ترابی فرد، ح. ۱۳۷۳. «آب در معماری». فصلنامه علمی و آموزشی فضای سبز. ص ۱۳-۱۵.

۱۰- دادمهر، م. ۱۳۷۸. «سقاخانه و سنگابهای اصفهان». اصفهان: چاپ کوثر. چاپ اول. ص ۳۵-۴۷.

۱۱- دیبا، د. ۱۳۷۸. «الهام و برداشت از مفاهیم معماری ایران». مجلهٔ معماری و فرهنگ، شمارهٔ ۱. ص ۱۱۱-۹۷.

۱۲- رضایی، ع. ۱۳۶۸. «اصل و نصب و دین‌های ایران باستان». تهران: ناشر عبدالعظیم رضایی.

۱۳- سلطان زاده، ح. ۱۳۷۸. «رمزپردازی در صورت معماری ایران». مجله معماری و فرهنگ، شماره ۱. ص ۱۱۲- ۱۲۵.

۱۴- شایگان، د. ۱۳۷۵. «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند». جلد اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۱۵- علم الهدی، ه. ۱۳۷۸. «آب و معماری». مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران بم: ۲۵-۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸.

۱۶- فلامکی،م. ۱۳۷۱. «شکل گیری معماری در تجارب ایران و غرب». تهران: نشر فضا. ص ۱۳۸.

۱۷- کیانی، م. ۱۳۸۰. «طبیعت در آثار معماران (نقش سمبل‌های طبیعت و جهان هستی در نگاه فرمال معماران)». مجله معماری و فرهنگ شماره ۸ ،ص ۶۷- ۷۵.

۱۸- گلبان، نوشین. (۱۳۷۴). خانه معمار، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

www.SID.ir